

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

اشکال چهارم: اشکال محقق خوئی (ره)

مرحوم محقق خوئی (قدس سره الشریف) (محاضرات، ج 2، ص 235) نسبت به اطلاق که مورد تمسک و استدلال مرحوم آخوند خراسانی (ره) هست ایرادی وارد کرده و فرموده اند: حق این است که ادله ای که تیمم را مشروع می کند، این ادله اطلاق ندارد و موضوع تیمم در جایی است که شخص در تمام وقت اضطرار داشته باشد، اما اگر شخصی در بعضی از وقت اضطرار داشته و در اثنای وقت اضطرارش برطرف شد، در اینجا اصلاً صدق مضطر بر این شخص نمی شود و موضوع مشروعیت تیمم در جایی است که عنوان مضطر صدق کند و بر این شخص که در قسمتی از وقت اضطرار دارد و در اثنای اضطرارش برطرف می شود، صدق عنوان مضطر مشکل است.

آنچه مرحوم آخوند (ره) در صدد بیان آن هست این است که از اصالة الإطلاق عدم وجود اعاده را استفاده کند و مسئله اعاده در جایی است که اضطرار و عذر در اثنای وقت از بین برود، که می خواهیم ببینیم که اگر اضطرار و عذر در اثنای وقت از بین رفت و در زمانی که اضطرار داشت عمل اضطراری را انجام داد، آیا این اطلاق اقتضاء عدم وجود اعاده را دارد یا نه؟

مرحوم آقای خوئی (ره) فرموده: اصلاً در چنین موردی صدق عنوان مضطر مشکل است، بلکه اصلاً صدق نمی کند و مضطر به کسی می گویند که: عذر و اضطرارش تمام وقت را پر کند.

ایشان فرموده: در این آیه «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً»، این «فَلَمْ تَجِدُوا» یعنی در جمیع وقت، نه اینکه در بعضی از وقت و در نتیجه با یک بیان روشن تر و دقیق تر می فرماید: این مکلف مأمور به آوردن عمل اختیاری است و باید بین این مبدأ و منتهی عمل اختیاری را اتیان کند، ولو اینکه اکثر وقت را اضطرار فرا بگیرد، اما در جزئی از وقت بتوان عمل اختیاری را آورد، در اینجا قدرت بر اتیان عمل اختیاری به نحو صرف الوجود را دارد.

مثلاً 5 ساعت بین اذان ظهر تا اذان مغرب وقت است، اگر فرض کنید در این 5 ساعت، 4 ساعت و 50 دقیقه این شخص اضطرار دارد و قدرت بر طهارت مائیه ندارد، اما در 10 دقیقه آخر واجد آب می شود و قدرت بر طهارت مائیه پیدا می کند، یعنی قدرت و تمکن بر آوردن این مأمور به اختیاری پیدا می کند، ایشان فرموده: در چنین موردی که شخص مکلف شده که بین مبدأ و منتهی مأموریه اختیاری را بیاورد و امکان اتیان مأموریه اختیاری، ولو در قطعه کوچکی از این زمان وجود دارد، در اینجا اگر قبل از آن مأموریه اضطراری را آورد، این مأمور به اضطراری هیچ فایده ای ندارد و مسقط وجوب اعاده در وقت نیست و باید در همین وقت اعاده را انجام داده و مأموریه اختیاری را امتثال کند.

بعد فرموده اند: بلکه اگر دلیلی بر جواز بدار داشته باشیم، مثلاً در همین جا اگر دلیل بر جواز بدار باشد نتیجه اش اجزاء است.

وقتي دليل گفت: بدار و مبادرت جايز است و در اول وقت اضطرار حاصل شد و دليل هم مي‌گويد كه: بدار جايز است و نماز با طهارت ترابيه را انجام مي‌دهيد، در اینجا «فهو المتبع» و نتيجه‌اش اجزاء است، اما در موردی كه دليل بر جواز بدار نداريم، «كما في مورد تيمم»، در اين صورت نتيجه‌اش عدم اجزاء است.

براي جواز بدار به تقيه مثال زده و فرموده‌اند: در باب تقيه هم كه يك عمل اضطراري است، مثلاً كسي كه داخل مسجد النبي يا مسجد الحرام رفته، تقيه اقتضاء مي‌كند كه با عامه نماز جماعت بخواند و در نمازي هم كه مي‌خواند، بر فرش سجده كند و يا بعضي از شرايطي را كه معتبر مي‌دانيم، مثل عدالت امام جماعت را كنار بگذارد، حال اين شخص مي‌تواند الآن اين كار را بكند و مي‌تواند بعداً در منزل نمازش را بخواند، كه چون در باب تقيه دليل بر جواز بدار داريم كه مي‌گويد: وقتي تقيه كه مصداقي از مصدايق اضطرار است محقق شد، مبادرت به عمل تقيه‌اي مشروع است، بلكه از بعضي از روايات استفاده مي‌شود كه ترك تقيه حرام است، اگر در اینجا عمل اضطراري را انجام داد و در اثناي وقت اضطرار و عذرش برطرف شد، ديگر نيازي به إعادۀ ندارد، به دليل اينكه دليل بر جواز بدار داريم.

پس مرحوم آقاي خوئي (ره) فرموده: در مرحله‌ي اول اطلاقي براي ادله مشروعيت تيمم نداريم و بعد فرموده‌اند: در هر موردی كه بدار جايز باشد، در آنجا نتيجه‌اش اجزاء است و در هر موردی كه بدار جايز نباشد، نتيجه‌اش عدم الاجزاء است.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) مكلف به طبيعت صلاة اختياري است و اين را گذاشتيم كه آخر بحث كنيم و اين حرف‌هايي كه مي‌زنيم بنا بر مبناي مشهور است كه بگوئيم: مأمور به اختياري خودش يك امر دارد، مأمور به اضطراري هم يك امر مستقل دارد، حال كه دو امر شد، اگر كسي مأمور به اضطراري را انجام داد، مجزي از آن امر متعلق به مأمور به اختياري هست يا نه؟ حالا بعداً در آخر مطلب عرض مي‌كنيم كه مرحوم امام و مرحوم آقاي بروجردي (قدس سرهما) و خيلي از بزرگان ديگر گفته‌اند كه: اصلاً دو امر نداريم، بلكه يك امر بوده و به همان مأمور به اضطراري هم ساقط مي‌شود.

نقد و بررسي اشكال آقاي خوئي (ره) بر تمسك به اطلاق

اشكال اول: اولين اشكال در اینجا اين است كه بالأخره معلوم نيست كه ايشان مي‌خواهد ملاك براي اجزاء را مسئله اطلاق قرار دهد و يا جواز البدار، حال آنكه اينها دو مطلب جدائي از هم هستند. اگر گفتيم كه: ملاك براي اجزاء اطلاق است، يعني «إذا تحقق الإضطراري لا يجب الإختياري» كه اين معنای اطلاق است كه اگر اضطراري محقق شد، ديگر اتیان اختياري لازم نيست، اين ربطی به بدار و عدم بدار ندارد كه بگوئيم: از اين بدار استفاده مي‌شود يا نه؟

مسئله بدار و عدم بدار مسئله ديگري است كه اگر در موردی مكلف به اضطراري شديد و دليلي براي بدار تحصيل كرديم، بر طبق آن مي‌گوئيم: وقتي مبادرت جايز است، معنای مبادرت اين است كه اگر بعداً اضطرار برطرف شد، در اینجا اتیان اختياري لازم نيست.

آنچه كه مرحوم آقاي خوئي (ره) بايد در جواب مرحوم آخوند (ره) بيان كند، نفي اطلاق است، اما اطلاق ديگر كاري ندارد به اينكه بدار جايز است يا جايز نيست؟ يعني نظري به اين جهت ندارد و اطلاق مي‌گويد كه: الآن اضطرار هست يا نه؟ اما در فرمايشات ايشان چيزي كه بخواهد اطلاق را نفي كند نديديم.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) بلكه از اول فرموده‌اند: «والحق أنه لإطلاق لأدلة مشروعيت التيمم» كه اين درست است، اما اين را اثبات نكرده‌اند. در باب اطلاق دليلي كه مي‌گويد: وقتي مضطر شديد نماز با تيمم بخوانيد، آخوند (ره) اصلاً اطلاق را معنا نكرده به اين كه چه اول وقت مضطر باشد و چه آخر وقت، بلكه فرموده: اطلاق يعني «إذا تحقق الإضطراري لا يجب الإتيان الثانية» كه

این معنای اطلاق است.

در اول بحث و مسئله اطلاق بعضی در کلام آخوند(ره) بحث کرده‌اند که مراد ایشان از این اطلاق چه اطلاقی هست؟ لفظی است یا مقامی؟ خیلی‌ها گفته‌اند که: مراد آخوند(ره) اطلاق مقامی است یعنی مولا در مقام بیان وظیفه مکلف است و به مکلف گفته: اگر مضطر شدی نماز با تیمم را بیاور و چون در مقام بیان بوده و نفرموده که: اگر اضطرار در اثنای وقت یا در خارج وقت برطرف شد باید تکرار کنی، لذا اگر اضطرار برطرف شد، چه در داخل وقت و چه در خارج وقت اعاده لازم نیست. پس مراد مرحوم آخوند(ره) از اطلاق، اطلاق مقامی است و شما این را چطور می‌توانید این را نفی کنید؟

(سؤال و پاسخ استاد محترم) مثل این می‌ماند که من و شما نزاع کنیم که «أعتق رقبة» اطلاق دارد یا نه؟ بعد بگویم که: اطلاق دارد و شما بگویید که: در اینجا موضوع اصلاً رغبه نیست و در اینجا به همین مطلب می‌خواهیم برسیم که فرمایش ایشان شبیه همین است، آیا این نفی اطلاق می‌شود یا نه؟ حالا در تکمیل اشکال به همین مطلب می‌رسیم.

اشکال دوم: همیشه باید برای اینکه بدانیم که آیا اشکالی وارد است یا نه؟ باید ببینیم که اصل مطلب چه بوده است؟ اصل مطلب مرحوم آخوند(ره) و عده‌ای زیاد که گفته‌اند: ادله اضطراری اطلاق دارد، اطلاق مقامی است، یعنی مولا در مقام بیان وظیفه مکلف بوده و فرموده: اگر آب نداشتی با خاک تیمم کن و دیگر نفرموده: اگر بعداً داخل وقت یا خارج وقت آب پیدا کردی چه کار کن؟ چون نفرموده و در مقام بیان بوده نتیجه می‌گیریم که پس وظایف را انجام دادی.

حال برای این مقدار نفی در کلمات ایشان ندیدیم، شما در کلمات ایشان دقت کنید و ببینید این مقدار این مطلبی که الآن ما داریم از مرحوم آخوند تقریر و بیان می‌کنیم کجای عبارت ایشان این را نفی می‌کند؟ ایشان بر روی این آیه «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً» که اضطرار را بیان می‌کند تکیه کرده که یعنی «لم تجدوا في جميع الوقت» و اضطرار مستوعب که عذر در تمام وقت است.

در جواب می‌گوییم: اولاً اگر مراد بخواهد «لم تجدوا في جميع الوقت» باشد قرینه لازم دارد، چون آیه می‌فرماید: «فَلَمْ تَجِدُوا» حال می‌خواهم نماز بخوانم، ولو اضطرار یک ساعت یا نیم ساعت هم باشد، صدق عدم می‌کند که «لم أجد»، آب پیدا نکردم و اگر مراد خداوند «لم تجدوا في جميع الوقت» بود باید قرینه می‌آورد، حال آنکه قرینه‌ای وجود ندارد.

ثانیاً این بیان نافی اطلاق نیست و نهایتاً این است که بگویید: قرائنی داریم که برطبق آن مورد اضطرار در جایی است که از اول وقت تا آخر وقت باشد، اما این نافی اطلاق نیست.

این مثال را خوب دقت کنید، مثلاً می‌گوییم: «أعتق رقبة» اطلاق دارد و ایشان می‌فرماید که: اطلاق ندارد، چون بر این موجود صدق رغبه نمی‌کند، اما اینکه نفی اطلاق نشد، بلکه نفی اطلاق با حفظ فرض موضوع است، یعنی باید بگوییم که: اضطرار محقق شد و حال آیا اطلاق دارد یا نه؟

شما از اول فرموده‌اید: ادله‌ی مشروعیت تیمم در جایی که اضطرار در بعض وقت است، اصلاً اضطرار محقق نشده و این نافی اطلاق نیست و نمی‌تواند اطلاق را از بین ببرد.

جمع‌بندی استاد محترم

نتیجه اینکه از مجموع چهار اشکالی که به اطلاق وارد شده، هیچ کدام از این اشکالات اربعه وارد نبود و تماماً محل تأمل بود که

در نتیجه ادله مشروعیت دلیل اضطراری اطلاق دارد، یعنی نسبت به اطلاق مقامی، یعنی اگر قصد مولا این باشد که بعد از عمل اضطراری، چه در اثنای وقت و چه بعد از وقت آوردن اختیاری لازم است، باید بیان کند و حال که بیان نکرده می‌گوییم: اگر شما آب نداشتیم و تیمم کرده نماز خواندیم، چه در داخل وقت و چه در خارج وقت نیازی به آوردن عمل اختیاری نیست.

تا اینجا برای اجزاء مأمور به اضطراری از اختیاری یک طریق ذکر کردیم و آن مسئله‌ی اطلاق بود که ملاحظه فرمودید. اما راه دومی در کلمات مرحوم محقق نائینی (اعلی الله مقامه شریف) (کتاب أجود التقریرات، چاپ جدید، ج 1، ص 284) وجود دارد که ممکن است نتوانیم آن را بیان کنیم، پیش مطالعه بفرمایید تا فردا ان شاء الله بیان ایشان را عرض کرده و ببینیم که آیا بیانشان تام است یا نه؟

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین